



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۸/۹



نگارگر

اگر صلح میکنید از انتخابات بگذرید! صلح با انتخابات چه رابطه دارد؟

امارت اسلامی طالبان نظامی است که به انتقال قدرت از یک دست به دست دیگر اعتقاد ندارد و همین نظام مبتنی بر دیکتاتوری

میلیان را آنان حکومت خدا بر زمین میدانند و هرکس که در باره این ماسالاری گرفتار شک و تردید شود کارش رابه کفر و زندقه و خروج از اسلام می کشانند و همین شیوه حکومت دینی بود که کشیشان قرون وسطی بر جامعه قبل از رنسانس بر اروپا تحمیل کرده بودند و دانشمندان را که به فرمان تحقیق و تجربه علمی بر اعتقادات کلیسا شک میکردند بیرحمانه در آتش می افکندند و ژوردانو برونو یکی از

قربانیان معروف آن بود. کلیسا آزادیها و تحصیل زنان را حرام میخواند و همانند همین طالبان روزگار ما اگر مجبور میشدند زیر فشار اجتماعی

به اصل ضرورت تعلیم و تربیه تن میدادند حرف حساب شان این بود که زنان و مردان جدا از هم و در مکاتب جدا از هم درس بخوانند که

این فشار غیر لازم بر اقتصاد جامعه از هیچ دیدگاه پذیرفتنی نبود زیرا که اقتصاد ایجاب میکند که جامعه با مصارف کم کار زیاد انجام بدهد. بدترین سیمای این سیستم راندن نیروی کار جامعه به صومعه ها و عبادتگاه های دور از شهر بود که در آن راهبان و ارباب کلیسا بر هزاران زن تجاوز کردند و آن زبان راطعمه زبانه های آتش کردند و بالاخره نهضت رنسانس در سرپای جامعه اروپایی با قبول قربانی های فراوان دست تسلط کلیسا را از زندگانی اجتماعی کوتاه کرد.

عاقل همیشه از تجربه های مثبت و منفی دیگران می آموزد و شیوه عمل خود را طوری عیار میکند که عقبگردیها را در تاریخ خویش کاهش

دهد و برای همین است که مطالعه تاریخ به درد میخورد ولی ساده لوح دوپارا دریک موزه میکند که جامعه را از حالت اعتدال بیرون آرد و تجارب منفی را بار بار تکرار کند. اسلام دینی زنده و پیر از تحرک بود که در یک صد سال بعد از رحلت نبی کریم نیم جهان آن روز را تسخیر

کرد و دانشمندان و ساینس دانان مسلمان پیشقراول نهضت های علمی گردیدند در حالیکه محافظه کاران مذهبی غم گمان این سینا، ابن عربی و دیگر پیشگامان فکر و اندیشه را تکفیر میکردند اما تاریخ به راه خود رفت.

امروز جهان اسلام سخت گرفتار بحران عقیدتی گردیده است و حتی جریان های مذهبی نیز متهم استند که در دست قدرتهای بزرگ سیاسی بازیچه استند. امروز جهان اسلام سخت نیازمند نهضت های علمی و فرهنگی است که کشتی اسلام را به سوی رهایی از فقر و گرسنگی برهاند و به سوی استقلال اقتصادی و سیاسی راهنمایی کند و اسلام را از دستنگری دیگران نجات دهد و چنانکه رسول مقبول فرموده بود دست مسلمان را از این حالت دست گیرنده و گدا به دست بخشنده و کریم بدل کند و این کار از یک نظام ماسالار به هیچوجه ساخته نیست.

امریکا در مذاکرات خود با طالبان منفعت خود را در منطقه در نظر دارد و شاید با پذیرش نظام " امارت اسلامی " در افغانستان برای خود

یک عربستان سعودی دیگر ایجاد کند که خریدار سربه زیر مودرن ترین سلاح های امریکا باشد و از آن سلاح ها برای هرج و مرج و پراکندگی

در دنیای اسلام استفاده کند.

مقامات افغان که تا حال وارد میدان مذاکره با طالبان گردیده اند منفعت طلبانی بوده اند که میخواستند طالبان با ثروتها و اندوخته های آنان کاری نداشته باشد و حتی در گوشه و کنار امارت اسلامی خودیگان مقام وزارت و سفارت به ایشان نیز ببخشند و از این گونه معامله گران

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولې

کار افغانستان به صلاح نمیرسند و اگر طالبان با دولتی که از کوره انتخابات افغانستان با یک درجه صلاحیت بیشتر وارد معرکه میشود
میتواند با دست پُر وارد مذاکره شود گفت و گو کنند طبعاً آن دولت که رای مردم را با خود دارد صلاحیت بیشتر دارد
به همین دلیل من برخلاف دیگران فکر میکنم که نخست انتخابات و بعد از آن مذاکره صلح با طالبان و در این مذاکره
با طالبان چند اصل باید مطرح باشد
۱ (آیا طالبان انتخابات آزاد و اصل اراده مردم را می پذیرند؟
۲ (اگر طالبان بر ایجاب "امارت اسلامی" فشار می کنند آیا حاضر استند زیر نظر ملل متحد امارت خود را در آیینۀ
رفراندوم و پرسش از مردم
ببینند یا آنرا به زور سرنیزه بر مردم تحمیل میکنند.
۳ (طالبان آزادی احزاب سیاسی، آزادی مظاهرات و آزادی های مدنی را می پذیرند و یا یک جامعه بسته و گردن زن
ایجاد میکنند که در قونسلگری خود یک ژورنالیست مخالف را با اعمال صد گونه شکنجه بکشند و با تمام لباس ها
در چشم جهانیان در آیند و به بادار امریکایی
رشوه ها بدهند و قضیه را مانند ژورنالیست به خاک فراموشی بسپارند.
۴ (موضوع اخیر ولی پر اهمیت تر از موضوعات بالایی موضوع تعلیم و تربیه زنان است. طالبان برای زنان مطابق
استعداد و گرایش فکری شان فرصت تعلیم و تربیه میدهند یا هنوز هم جاهلانه کار را به کارهای زنانه و مردانه تقسیم
میکند. اصرار طالبان بر مکتب ها و پوهنتون های جداگانه نه از نظر اقتصادی ممکن است و نه از نظر تسهیلات. آخر
چه گونه یک کشور فاقد استقلال اقتصادی میتواند برای زنان و مردان
پوهنتون های جداگانه ایجاد و استادهای جداگانه استخدام نماید.
اگر طالبان صلح میخواهند باید دلایل قانع کننده بگویند و دلایل قانع کننده بشنوند و اگر به عنوان یک نیروی غالب
میخواهند جامعه را به مذاق خود شکل بدهند در این صورت صلحی در کار نیست و دیگر مردم نیز با آنان به زبان
بیدل سخن میگویند که:
زین عرصه اعداد مکش ننگ فسردن ++ گیرم همه تن صلح شوی جنگ برون آ
فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگر ۹ اگست ۲۰۱۹ نگارگر

«